

رفاه از دیدگاه علی بن ابی طالب در نهج البلاغه^۱

سعید وصالی*

امیرمحمدیان خراسانی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۳

چکیده

حکومت‌ها برای راضی نگاه داشتن مردم در پی آن بوده‌اند تا دست حداقل‌هایی را برای آن‌ها یا برای برخی از آن‌ها فراهم کنند، اگر چه میزان دخالت حکومت‌ها در این امر تفاوت می‌کرده است. این مطالعه به بررسی دیدگاه‌های رفاهی علی بن ابی طالب به عنوان کسی که حکومت داری‌اش سرمشق و الهام بخش ایرانیان است می‌پردازد. برای این منظور از روش تحلیل محتوا استفاده گردیده است. تحلیل محتوای مضمونی کل نهج البلاغه با مقوله رفاه و گزارش یافته‌ها به صورت جداول فراوانی و تحلیل یافته‌ها به صورت کیفی انجام شده

۱- برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی دیدگاه‌ها و سیاست‌های رفاهی علی بن ابی طالب (ع)" که در شهریور ماه ۹۱ با راهنمایی دکتر سعید وصالی و مشاوره دکتر محمدحسین پناهی از آن دفاع شده است.

saidvesali۲۰۰۵@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

amir mkh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

است. زیر مقوله‌های رفاهی به دست آمده به صورت رفت و برگشتی میان چارچوب مفهومی و متن به صورت زیر به دست آمدند: ۱. فقر و نیازمندی ۲. صدقه و بخشش ۳. علم و فراگیری ۴. عدالت و مساوات ۵. حق و باطل ۶. مشورت ۷. تعقل، خرد و تدبیر ۸. قناعت و طمع ۹. اتحاد، دوستی و اعتماد. مهمترین نتیجه‌گیری این بود که همراه با تاکید بر مفاهیم رفاهی ذکر شده در بالا، علی بن ابی طالب رفاه جامعه را بر مبنای نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی، اجرای عدالت، ارتقای برابری و حمایت از حقوق و آزادی‌های مردم بنا کرد. واژه‌های کلیدی: رفاه، علی بن ابی طالب، عدالت، حقوق

بیان مساله

علی بن ابی طالب به عنوان تنها امام شیعیان که توانست حکومتی تشکیل دهد مطرح است. زندگی ایرانیان نیز به گونه‌ها و درجات گوناگون چه در سطح اعتقادی و فرهنگی و چه در سطح سیاستگذاری و برنامه ریزی دست کم به صورت نظری الهام گرفته از زندگی و حکومت ایشان می‌باشد. با توجه به این که در سطح توجه به نیازهای رفاهی در برنامه ریزی‌های کلان و خرد با مشکلاتی مواجه هستیم و نظر به این که خیلی از ایرانیان ایشان را به عنوان یک الگو می‌شناسند و رهنمودهای ایشان را چراغ راه زندگی خویش می‌دانند، ضروری است تا بررسی شود که ایشان در زمینه مفاهیم رفاهی و مقولات مرتبط چه دیدگاه‌هایی داشته‌اند.

بنابراین به منظور مطالعه دیدگاه‌های علی بن ابی طالب و یادآوری آن‌ها به جامعه ایران و بهره بردن از آن‌ها در راستای ساخت الگویی مطابق با ضرورت‌ها و نیازهای جامعه ایران، بررسی سیاست‌های رفاهی حکومت ایشان لازم است. همچنین نظر به رهنمودهای اخلاقی و دنیاگریزی انعکاس یافته در نگرش‌ها و دیدگاه‌های علی ابن ابی طالب ما قادر خواهیم بود تا فرهنگ مصرفی و دیگر جنبه‌های فرهنگ زندگی امروزین را که با بحران ارزش‌ها و اخلاقیات مواجه است را نقد کنیم تا بتوانیم از این اصول در

راستای یک زندگی بهتر مادی و معنوی همراه با آرامش روحی و روانی که چشم انداز جدیدی را در مورد رفاه می‌گشاید، سود بریم. مساله اصلی این است که علی بن ابی طالب در مجموع نهج‌البلاغه به کدام مفاهیم رفاهی مدرن و پیشا مدرن و چگونه توجه کرده است و عدالت و حقوق که بیشتر در دوران جدید مطرح است و مبارزه با فقر که سابقه‌ای طولانی تر دارد جایگاهش در نظر ایشان چگونه بوده است.

در مورد شیوه زندگی و حکومت داری ایشان کتاب‌ها و مقالات زیادی در زوایای گوناگون نوشته شده است اما آن چه ضرورت انجام آن حس می‌شود ارائه یک کار نسبتاً جامع در مورد سیاست‌های رفاهی در جهت زندگی بهتر شهروندان و چگونگی نهادینه کردن حق و عدالت و توجه به محرومیت‌ها در شیوه حکومت داری و سخنان ایشان است.

در این راستا بهترین منبع برای پژوهش کتاب نهج‌البلاغه می‌باشد که حاوی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار ایشان است که در این مطالعه به تحلیل محتوای مضمونی آن خواهیم پرداخت.

اهداف تحقیق

- به طور کلی می‌توان اهداف اساسی پژوهش حاضر را این گونه خلاصه نمود :
۱. جستجوی مفاهیم عام رفاهی که همیشه در طول تاریخ مطرح بوده در دیدگاه‌های علی بن ابی طالب که در نهج‌البلاغه انعکاس یافته است.
 ۲. درک دیدگاه‌های ایشان راجع به مسائل رفاهی، خواه این دیدگاه‌ها در عمل به اجرا در آمده باشد و یا به علت موانع اجتماعی، سیاسی و غیره به مرحله عمل نرسیده باشد. به این معنا که دیدگاه‌های علی بن ابی طالب را نه از زمانی که ایشان زمامدار حاکمیت شد بلکه از همان زمان رحلت پیامبر اسلام مد نظر قرار می‌دهیم که در همین راستا حتی سکوت بیست و پنج ساله ایشان را در راستای یک سیاست اجتماعی

می‌دانیم. در این مطالعه ما تنها خود را به نهج‌البلاغه محدود کرده‌ایم و آن دسته از دیدگاه‌های انعکاس یافته در این منبع را استخراج خواهیم نمود. این دیدگاه‌ها با این هدف بررسی می‌شوند که چه مفاهیم مدرن رفاهی در اجتماعی پیشا مدرن مطرح بوده است و به عبارتی دیگر این هدف دنبال خواهد شد تا این امر به چالش کشیده شود که آیا مفاهیم امروزی رفاهی، مختص جوامع مدرن است؟

پیشینه تحقیق

آن چه وجه تمایز این مطالعه از مطالعات مشابه است تمرکز بر روی یک بعد از حکومت داری علی بن ابی طالب یعنی رفاه با مراجعه به معتبرترین منبع منسوب به ایشان، یعنی نهج‌البلاغه و تحلیل محتوای آن می‌باشد. جدول ۱ گونه‌شناسی انواع آثار در مورد علی بن ابی طالب را نشان می‌دهد.

جدول ۱- گونه‌شناسی آثار در مورد علی بن ابی طالب

موضوع و تمرکز	دسته
زندگانی و بعد امامت و جوانب معنوی	دسته اول
مفاهیم اجتماعی، سیاسی و حقوقی عام	دسته دوم
مفاهیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاص	دسته سوم
تحلیل محتوا و یا تحقیق بر روی نهج‌البلاغه	دسته چهارم

لازم به یادآوری است که بخشی از آثار در دو دسته از چهار دسته بالا جای می‌گیرند، مانند: حقوق بشر در نهج‌البلاغه که عنوان یک رساله دکتری دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی (محمدصادق علمی سولا) می‌باشد که در دسته‌های دوم و چهارم جای می‌گیرد. از مجموع کارهای انجام شده چنین بر می‌آید که بسیاری از این آثار فاقد

عمق مطالعاتی بوده (رساله دکتری نامبرده از این امر مستثناست) و آنهایی که به صورت عمیق انجام گرفته‌اند غالباً اجتماعی نبوده‌اند. وجه تمایز این تحقیق از موارد مشابه جستجو کردن ردپای مفهوم رفاه در نهج البلاغه است. این مفهوم چندبعدی بوده و بنابراین دقت نظر و مطالعه عمیقی را می‌طلبد. بنابراین، مطالعه حاضر در دسته‌های سوم و چهارم جای می‌گیرد.

چارچوب مفهومی تحقیق

نظر به این که این مطالعه در پی آزمون و پیش بینی نیست چارچوب نظری شکل نگرفته است، بلکه چون در پی توصیف است تنها دارای چارچوب مفهومی است. برای پرهیز از بحث در مورد این که آیا درست است که بگوییم دولت علی بن ابی طالب یا نه، در این جا از واژه حکومت که گستره مفهومی وسیع‌تری دارد و می‌توان آن را در مورد دوران ما قبل مدرن نیز به کار برد استفاده کرده‌ایم.

در طول تاریخ رویکردهای گوناگونی به مقوله رفاه وجود داشته است. هر چه از دوران گذشته به سمت دوران مدرن حرکت می‌کنیم از مفهوم رفاه به عنوان احساس امنیت کاسته و بر مفهوم آسایش و آرامش و بهره‌مندی از لذت‌های زندگی افزوده می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که مفهوم رفاه از برآوردن نیازهای اولیه به تامین نیازهای ثانویه تغییر پیدا می‌کند (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸: ۹). در جوامع سنتی رفاه شامل اقدامات خیریه‌ها و تعاونی‌ها و کمک‌های مردمی همراه با حداقلی ارائه شده از سوی حکومت‌ها برای راضی نگهداشتن مردم بوده است.

برای آن که بتوانیم نگاه درستی به حکومت علی بن ابی طالب از این باب داشته باشیم تا بتوانیم چارچوب مفهومی رفاه در حکومت ایشان را به درستی بیان نماییم ضمن استفاده از مفهوم رفاه به معنای تامین نیازهای اولیه، از مفاهیم دیگر مطرح شده

در نظریات رفاهی و صاحب نظران رفاه که در حکومت و دیدگاه‌های ایشان نیز انعکاس یافته برای ساختن چارچوب مفهومی استفاده می‌نماییم. علاوه بر تامین نیازهای اولیه (خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت)، مفاهیم رفاهی انعکاس یافته در نظریات رفاهی، با در نظر گرفتن افق زمانی و شیوه‌ای که علی بن ابی طالب آن‌ها را مطرح کرده و مورد توجه قرار داده است، چارچوب مفهومی تحقیق ما را شکل می‌دهند.

مفهوم اصلی ما در این مطالعه رفاه است، به دنبال این هستیم که دیدگاه‌ها و اقدامات رفاهی را استخراج کنیم. نظر به این که دامنه مورد بررسی ما در چند قرن پیش است باید از سوء برداشت و قیاس‌های مع الفارق اجتناب نماییم. بنابراین در سایه نظریات جدید و نیز با توجه به آن چه در تاریخ گذشته به عنوان رفاه و شاخص‌های آن مطرح بوده است، چارچوب مفهومی را می‌سازیم.

این شاخص‌ها می‌توانند به عنوان مقوله‌هایی که تعیین کننده رفاه در یک اجتماع پیشا مدرن هستند به کار گرفته شوند. به این معنا که گسترش، عملی شدن و توجه بیشتر به هر یک از شاخص‌ها در صورتی که معنای مثبت داشته باشند منجر به افزایش رفاه می‌شود و برعکس. این چارچوب مفهومی ما دو منبع دارد: نظریات رفاهی یعنی آن چه با توجه به نظریات، در یک اجتماع پیشا مدرن مد نظر علی بن ابی طالب بوده است و آن چه به عنوان رفاه در طول تاریخ مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته است. بنابراین در ابتدا با استفاده از مهمترین شاخص‌های بدست آمده از دو منبع یاد شده و سپس با مراجعه به نهج البلاغه و به صورت رفت و برگشتی چارچوب مفهومی اصلی شکل گرفته است.

دو تفکر اصلی سنگ بنای دو نظریه بنیادی رفاه اجتماعی را شکل می‌دهند که یکی نظریه معروف اصالت فردی و دیگری نظریه اصالت جمعی است. اگر چه لازم است گفته شود که هیچ یک از این دو نظریه استقلال کامل ندارند. بر همین اساس دو نظریه بنیادی رفاه اجتماعی وجود دارد: نظریه ترمیمی و نظریه نهادی.

نظریه اول از تفکر اصالت فردی سرچشمه گرفته و بر آزادی افراد در تمام شئون زندگی اجتماعی تکیه می‌کند و بیان می‌دارد که افراد باید آزاد باشند که هر گونه مایلند در زمینه رفاه اجتماعی سرمایه گذاری کنند و دولت تنها نقش کمک رسانی و ترمیمی دارد، یعنی به دولت حداقل معتقدند و بنابراین وظیفه اصلی به عهده بخش خصوصی و نهادهای آن می‌باشد.

در مقابل این نظریه، نظریه دوم که بر مبنای تفکر اصالت جمعی شکل گرفته بیان می‌دارد که وظیفه اصلی و اساسی در مقوله رفاه به عهده دولت و نهادهای وابسته به آن می‌باشد که شکل گیری دولت رفاه محصول این تفکر است. این نظریه بیان می‌کند که دولت باید اقدام به برنامه‌ریزی، سیاست گذاری و اجرای برنامه‌های گوناگون خدمات اجتماعی نماید و در اجرای این وظیفه می‌تواند موسسات و سازمان‌های گوناگون را تاسیس نماید (زاهدی اصل، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۴).

بر مبنای این دو نظریه، رفاه دو وجه دارد: وجه فردی که خود انسان‌ها و کنشگران باید در جهت رسیدن به آن تلاش کنند و بعدی دیگر که مسئولیتش با حکومت است و باید در جهت رفع برخی نیازهای آن‌ها و برقرای امنیت و عدالت و نهادینه کردن آن‌ها دولت‌ها تلاش نماید. در این مطالعه به هر دو بعد رفاه که از این دو نظریه سرچشمه گرفته‌اند توجه شده است، یعنی مقولات رفاهی و شاخص‌های آن در نهج‌البلاغه که با توجه به این دو نظریه به صورت توأمان به دست آمده‌اند.

بنابر آن چه گفته شد چارچوب مفهومی با رفت و برگشت میان نظریات و متن نهج‌البلاغه به صورت مقابل شکل می‌گیرد: رفاه = رفاه عام + رفاه خاص
رفاه عام = آن چه در طول تاریخ همیشه مدنظر حکومت‌ها بوده است مانند تامین نیازهای اولیه مانند خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت.
رفاه خاص = آن چه در دوران مدرن و در قالب نظریات رفاهی بیان شده است مانند عدالت و حقوق و سرمایه اجتماعی و غیره.

بنابراین منظور از رفاه عام آن دسته از نیازهای اولیه‌ای است که در طول تاریخ چه پیش از دوران مدرن و چه بعد از آن حکومت‌ها به درجات و طرق گوناگون در پی رفع آن‌ها بوده‌اند. اما در مورد رفاه خاص مقصود آن دسته از مفاهیم و مقولات رفاهی است که با گذار از دوران پیشامدرن به مدرن، مطرح و برجسته گشته‌اند. این امر بدین معنا نیست که قبل از دوران مدرن وجود نداشته‌اند بلکه بدین معناست که مفهوم پردازی و نظریه سازی و چالش‌های گوناگون پیش روی حکومت‌ها در آن موارد عمدتاً با ظهور دوران مدرن شکل گرفته است.

لازم به ذکر است که برای استخراج مفاهیم رفاهی که طریقه انجام آن توضیح داده خواهد شد از مضامین متضاد نیز استفاده شده است. به عنوان مثال ممکن است در جایی مضمون ستمگری باشد و یا از دشمنی نهی شده باشد که به ترتیب مربوط به مقوله‌های عدالت و ستم و اتحاد، دوستی و اعتماد می‌باشد. به بیان دیگر در برخی جاها از مضمون متضاد مقوله‌های تعریف شده استفاده شده است که در ذیل همان زیر مقوله رفاهی مقوله قرار گرفته است.

روش تحقیق

گاهی در برخی پژوهش‌ها مرز میان پژوهش کمی و کیفی به روشنی مشخص نیست. روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوای مضمونی است که از نوع توصیفی-استنباطی است. تحلیل محتوای مضمونی بدون داشتن فرضیه انجام شده است و تنها پیش فرض‌هایی در ذهن محقق شکل گرفته است. بیان نتایج داده‌ها به صورت جداول و فراوانی و درصدگیری صورت گرفته است. تحلیل محتوا از نوع مورد پژوهی است، چون تنها به یک منبع یعنی کتاب نهج‌البلاغه اکتفا شده است. می‌توان عنوان کرد که نظر به وجود جداول فراوانی و درصدگیری از یک سو و تحلیل مضمونی داده‌های بدست آمده از سوی دیگر، روش مورد استفاده تلفیقی است. علاوه بر آن، بعد از ارائه نتایج به صورت جداول فراوانی، تحلیل نتایج به صورت کیفی انجام شده است و دلالت‌های

ضمنی زیرمقوله‌های رفاهی مطرح شده در منظر علی بن ابی طالب تفسیر شده‌اند و به نوعی پژوهش به تحلیل محتوای استنباطی سوق داده شده است.

جدول ۲- تحلیل محتوا

منبع داده‌ها	نهج البلاغه
واحد تحلیل	مضمون
مقوله اصلی	رفاه
تعداد زیر مقوله‌ها	۹
واحد ثبت	بند تحلیل مضمونی
اصول	عینیت- انتظام-عمومیت-انحصار متقابل

در مورد این تحقیق جامعه آماری تحلیل محتوا، متن تمامی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار می‌باشد. در این پژوهش نمونه‌گیری صورت نگرفته و تمام خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار مورد تحلیل واقع شده‌اند، به عبارتی دیگر نمونه بدست آمده و جامعه آماری یکی هستند.

در این پژوهش به دلیل استفاده از تحلیل محتوا، داده‌ها موجود بودند و نیازی به استفاده از روش‌های گردآوری اطلاعات نبود که خود مزیتی برای این تحقیق می‌باشد و احتمال خطا را نیز کمتر می‌کند. به بیان دیگر از نهج البلاغه که توسط سیدرضی گردآوری شده و حاوی سخنان گوناگون علی بن ابی طالب می‌باشد در تحلیل محتوا استفاده گردیده است. نهج البلاغه مورد استفاده در این مطالعه ترجمه محمد دشتی، انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمینین (تابستان ۸۹) است که به صورتی روان همراه با فهرست موضوعی ترجمه شده است.

کار شماره گذاری بندهای تحلیل (با مضامین گوناگون) به صورت خودکار توسط این ترجمه صورت گرفته است به این صورت که هر یک از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات

قصار شماره گذاری شده و هریک نیز به نوبه خود در صورتی که بیش از یک مضمون دارند، توسط بندهای گوناگون که مضمون‌های متفاوتی را شامل می‌شوند از یکدیگر تفکیک شده‌اند. بنابراین هر بند تحلیل مضمونی در این تحلیل محتوا، یک واحد ثبت می‌باشد که به طریق بالا شماره گذاری شده است. با توجه به چارچوب مفهومی مطرح شده و به صورت رفت و برگشتی میان متن و چارچوب مفهومی زیر مقوله‌های رفاهی مورد نظر، تعیین گردیدند.

بعد از انتخاب زیر مقوله‌ها با استفاده از بندهای تحلیلی و استفاده از فهرست مضمونی، شمارش واحدهای ثبت مضمونی آغاز گردید و بعد از اتمام شمارش، نتایج به صورت فراوانی و درصدگیری در جداول مربوطه درج شد. سپس در ادامه نتایج کیفی تحلیل محتوا به صورت استنباطی بیان شده است.

تعاریف عملیاتی مفاهیم

مفاهیمی که لازم است تا تعریف عملیاتی آن‌ها در این جا ارائه شود با توجه به عنوان و روش تحلیل محتوا و مقوله‌های تعیین شده در تحلیل محتوا از این قرار می‌باشند که تعریف هر یک را در ادامه بیان می‌کنیم:

۱. رفاه ۲. دیدگاه رفاهی ۳. سیاست رفاهی و نیز نه شاخص رفاهی استخراج شده:
۱. فقر و نیازمندی ۲. صدقه، بخشش و انفاق ۳. علم و فراگیری ۴. عدالت و ستم و مساوات ۵. حق و باطل ۶. شور و مشورت ۷. تعقل، خرد و تدبیر ۸. قناعت و طمع ۹. اتحاد، دوستی و اعتماد.

حکومت در اینجا به دوران زمامداری حدوداً پنج ساله ایشان محدود نمی‌شود. بسیاری از دیدگاه‌های ایشان در خارج از زمان زمامداری بیان شده‌اند و بررسی این موضوع که کدام یک نسبت به دوران زمامداری تقدم زمانی دارند تا از این پژوهش حذف شوند نه عاقلانه و منطقی و سودمند است و نه آسان. بنابراین مراد از حکومت علی بن ابی طالب هم دوران حاکمیت بالفعل ایشان و هم دوران پیش‌تر از آن است. به

عبارت دیگر از زمان رحلت پیامبر (ص) تا شهادت علی بن ابی طالب (ع) دوران حکومت ایشان در این تحقیق می‌باشد.

منظور از واژه رفاه در اینجا تامین نیازهای اساسی زندگی انسان چه از بعد مادی و چه از بعد غیر مادی می‌باشد. نیازهای اساسی مادی خوراک، پوشاک، مسکن، اشتغال و تامین درآمد و نیازهای غیرمادی عدالت، حقوق، آزادی، توانمندی و غیره می‌باشند. به عبارت دیگر تمام شرایط لازم برای داشتن یک زندگی بدون دغدغه و فشارهای جسمی و روحی- روانی که اخلاقیات را در راستای زندگی مطلوب در این دنیا به کار می‌گیرد شامل رفاه می‌شود.

در اینجا سیاست رفاهی با سیاست اجتماعی به یک مفهوم گرفته شده‌اند و منظور از آن اقدامات عملی انجام شده در راستای رسیدن به شرایط مطلوب یعنی همان رفاه، توسط حاکمیت تعریف می‌شود.

سیاست‌های رفاهی اقدامات عملی در زمان زمامداری را شامل می‌شود اما دیدگاه‌ها که در سخنان انعکاس یافته، پیش از این دوران زمامداری را نیز دربر می‌گیرند. گرچه این دیدگاه‌ها پیش از دوران زمامداری بیان شده‌اند اما در تار و پود حکومت ایشان مانند هر زمامدار دیگری وجود داشته است و اجرا نشدن آن‌ها دلیلی بر نبودن دیدگاه‌های ارائه شده پیش از آن زمان در بطن حکومت ایشان نیست.

مقصود از فقر و نیازمندی در این پژوهش همان فقر و یا محرومیت اقتصادی، یا عدم توانایی تامین نیازهای مادی است به شرط آن که حاصل تنبلی نباشد. بنابراین هر جا که در ترجمه نهج البلاغه کلمه فقر آمده است و یا مضمونی دال بر آن می‌باشد مراد ماست.

صدقه، بخشش و انفاق در اینجا به معنای کمک‌های داوطلبانه مادی مردم به نیازمندان می‌باشد و همچنین زکات را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین هر جا که کلمه صدقه و یا بخشش به عنوان بخشش مادی، انفاق و زکات در ترجمه نهج البلاغه آمده است، آن را در بر می‌گیرد.

علم به معنای دانایی و دانستن چیزی و فراگیری، تلاش در جهت دانا شدن به امور، حقایق و علوم است. در هر جا که کلمه دانش، علم، فراگیری، آموختن، دانایی و جهل (در نقطه مقابل دانایی) و حکمت استفاده شده یا مضمونی دال بر آن‌ها وجود داشته است در این مقوله جای می‌گیرد.

مراد از عدالت، دادن حق هر نفر به اوست و گرفتن حق مظلوم از ظالم و بازگرداندن به او و نیز رفتار یکسان در قضاوت. مساوات نیز بردن سهم یکسان از بیت المال و از هر چیز دیگری که حق همگان است. در نقطه مقابل عدالت ستم قرار دارد. بنابراین کار برد این مفاهیم و یا به کار رفتن واژه‌های عدالت، عدل، ستم، برابری و یا مضامینی دال بر آن‌ها، در این مقوله جای می‌گیرد.

حق در این جا به معنای آن چه درست است، یا آن چه باید باشد و یا همان حقیقت است و نیز سهمی از امور مادی و معنوی که کسی جایز و شایسته داشتن آن است نیز شامل حق می‌شود. به بیان دیگر این مقوله حقوق، اعم از حقوق مردم، حاکم و حتی حیوانات را شامل می‌شود. بنابراین اگر سخن از حقیقت در تقابل با امر باطل است در این مقوله جای می‌گیرد. همچنین حق که جمع آن حقوق است نیز در این مقوله جای گرفته است. اما در مواردی که مضمون به دادن و گرفتن حق بر می‌گردد مورد مربوطه در مقوله عدالت جای داده شده است.

منظور از مشورت نیز رایزنی و دوری از خودرایی و پرسیدن نظر و حاصل فکر دیگران است. استفاده از واژه‌های شور، مشورت و رایزنی مقصود ما را می‌رساند. تعقل و تدبیر، استفاده از عقل در تصمیم‌گیری‌ها و اندیشه و تفکر کردن است که ابزار آن نیز خرد است.

قناعت در نقطه مقابل طمع به کار رفته و منظور از آن بسنده کردن به سهم بدست آمده از تلاش و راضی بودن به آن چه نصیب شخص شده است می‌باشد و طمع همان آزمندی و حرص برای برخورداری هرچه بیشتر مادی در نظر گرفته شده است. کاربرد

واژه‌های طمع و آزمندی و حرص مادی و قناعت و یا مضمونی دال بر آن، مقصود ما را می‌رساند.

دوستی به عنوان رابطه برادرانه میان مردم استفاده شده است و اعتماد به معنای قبول اعتبار یک نفر در سپردن چیزی یا کسی به اوست. اتحاد نیز در مقابل تفرقه و پراکندگی و چند دستگی استفاده شده است. چون هر سه این موارد به مفهوم سرمایه اجتماعی که امروزه استفاده می‌شود نزدیک هستند هر سه در یک شاخص قرار گرفته‌اند.

در نهایت زیرمقولات به دست آمده به این صورت و در نه دسته جای گرفتند که طریق رسیدن به آنها در انتهای چارچوب مفهومی توضیح داده شده است :

جدول ۳- زیر مقولات رفاهی

۱. فقر و نیازمندی
۲. صدقه و بخشش
۳. علم و فراگیری
۴. عدالت و مساوات
۵. حق و باطل
۶. مشورت
۷. تعقل، خرد و تدبیر
۸. قناعت و طمع
۹. اتحاد، دوستی و اعتماد

روایی و پایایی

در مورد روایی تحقیق حاضر از روایی صوری استفاده شده است که صاحب نظران و اسادان دانشگاه در مورد آن نظر داده‌اند و آن را دارای اعتبار دانسته‌اند .

برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد یا همان پایایی از فرمول زیر که ویلیام اسکات برای مقیاس اسمی ساخته است استفاده شده است (بیکر، ۱۳۸۳):

$$\pi = \frac{P_o - P_e}{1 - P_e}$$

که در آن :

= ضریب قابلیت اعتماد

= درصد توافق مورد انتظار

= P_o درصد توافقات مشاهده شده

درصد توافقات مشاهده شده نیز از فرمول زیر به دست می‌آید (بیکر، ۱۳۸۳) :

$$P_o = \frac{2M}{N_1 + N_2}$$

که در آن M تعداد تصمیمات رمزگذاری است که دو داور در مورد آن توافق دارند، N_1 تعداد تصمیمات رمزگذاری داور اول و N_2 تعداد تصمیمات رمزگذاری داور دوم است.

توافق مورد انتظار نیز از فرمول زیر به دست می‌آید (بیکر، ۱۳۸۳) :

$$P_e = \sum_i^k P_i^2$$

که در آن :

= P_i^2 درصد نسبی هر مقوله به توان دو

= k تعداد مقوله‌ها

رفاه از دیدگاه علی بن ابی طالب ... ۸۳

در این پژوهش ده درصد از کل بندهای تحلیل با قرعه کشی انتخاب شدند یعنی ۱۲۰ بند از ۱۱۸۰ بند تحلیل جهت رمز گذاری به داور اول و داور دوم داده شد که آنها در ۱۱۰ مورد توافق داشتند که در نتیجه توافق مورد مشاهده شده این گونه به دست آمد:

$$۲ \times ۱۱۰ / ۱۲۰ + ۱۲۰ = ۰/۹۱$$

جدول ۴- درصد نسبی مقوله‌ها

درصد نسبی مقوله	ه مقوله
٪ ۳/۶۵	۱. فقر و نیازمندی
٪ ۸/۹۷	۲. صدقه و بخشش
٪ ۱۰/۲۹	۳. علم و فراگیری
٪ ۱۷/۲۷	۴. عدالت و مساوات
٪ ۲۲/۵۹	۵. حق و باطل
٪ ۲/۶۵	۶. مشورت
٪ ۸/۹۷	۷. تعقل، خرد و تدبیر
٪ ۸/۳۰	۸. قناعت و طمع
٪ ۱۷/۲۷	۹. اتحاد، دوستی و اعتماد
٪ ۱۰۰	

که بعد از به توان دو رساندن هریک و جمع آنها در صد توافق مورد انتظار ۰/۱۴ به دست آمد. در نتیجه ضریب قابلیت اعتماد این گونه محاسبه شد:

$$(۰/۹۱ \circ ۰/۱۴) / (۱ \circ ۰/۱۴) = ۰/۸۹$$

عدد ۰/۸۹ پایایی کل ابزار تحقیق را نشان می‌دهد که نشان از سطح مطلوب قابلیت اعتماد دارد. در مورد هر یک از مقوله‌ها نیز به همین ترتیب عمل شد و پایایی هر یک از آنها عددی نزدیک به عدد بالا بدست آمد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

با کاربرد روش مربوطه و در نظر گرفتن چارچوب مفهومی مقوله‌های مربوطه در نه دسته جای گرفته‌اند: ۱. فقر و نیازمندی ۲. صدقه، بخشش و انفاق ۳. علم و فراگیری ۴. عدالت و ستم و مساوات ۵. حق و باطل ۶. شور و مشورت ۷. تعقل، خرد و تدبیر ۸. قناعت و طمع ۹. اتحاد، دوستی و اعتماد. یافته‌های تحلیل محتوا به تفکیک خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار وجود دارد. نظر به خلاصه کردن نتایج، از ارائه نتایج تفکیک شده اجتناب کرده و ادغام نتیجه تحلیل محتوا را در جدول زیر نشان داده‌ایم:

جدول ۵- تحلیل محتوای کل نهج البلاغه شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار

مقوله رفاهی (مضمون)	فراوانی	درصد نسبت به کل بندهای تحلیل (چه با مضمون رفاه و چه غیر از آن)	درصد نسبت به کل بندهای تحلیل ثبت شده با مضمون رفاهی
۱. فقر و نیازمندی	۱۱	٪ ۰/۹۳	٪ ۳/۶۵
۲. صدقه و بخشش	۲۷	٪ ۲/۲۸	٪ ۸/۹۷
۳. علم و فراگیری	۳۱	٪ ۲/۶۲	٪ ۱۰/۲۹
۴. عدالت و مساوات	۵۲	٪ ۴/۴۰	٪ ۱۷/۲۷
۵. حق و باطل	۶۸	٪ ۵/۷۶	٪ ۲۲/۵۹
۶. مشورت	۸	٪ ۰/۶۷	٪ ۲/۶۵
۷. تعقل، خرد و تدبیر	۲۷	٪ ۲/۲۸	٪ ۸/۹۷
۸. قناعت و طمع	۲۵	٪ ۲/۱۱	٪ ۸/۳۰
۹. اتحاد، دوستی و اعتماد	۵۲	٪ ۴/۴۰	٪ ۱۷/۲۷
جمع	۳۰۱	٪ ۲۵/۴۵	٪ ۱۰۰

مجموعاً ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ کلمه قصار مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند که جمعا شامل ۱۱۸۰ بند تحلیلی می‌باشد، که از این تعداد ۳۰۱ بند تحلیل مرتبط با

مقوله‌های رفاهی تعریف شده بودند که حدود ۲۶ درصد از کل بندهای تحلیل را تشکیل می‌دهند. بیشترین فراوانی در میان مقوله‌ها مربوط به حق و باطل با ۶۸ فراوانی و سپس عدالت و مساوات و اتحاد، دوستی و اعتماد هر یک با ۵۲ فراوانی می‌باشد. همان گونه که مشاهده می‌شود بیشترین واحدهای ثبت شده در این مقوله‌ها مربوط به حق و باطل و عدالت و مساوات و اتحاد، دوستی و اعتماد می‌باشد که نشان دهنده تاکید ایشان بر این سه مقوله در بهروزی جامعه می‌باشد. همچنین تاکید ایشان بر اتحاد، دوستی و اعتماد نشان دهنده توجه به آن چیزی است که امروزه با عنوان سرمایه اجتماعی از آن نام برده می‌شود. حال بعد از ارائه بحث‌های کمی به سراغ بحث مضمونی و محتوایی می‌رویم.

نتیجه‌گیری و بحث

در مجموع چنین بر می‌آید که علی بی ابن طالب رفاه را بر پایه حقوق و مسئولیت‌های حاکم بر مجموعه زیر حاکمیت خویش و در یک ارتباط چندبعدی با مادیات، اخلاقیات و روابط انسانی بر پایه مساوات، حقوق برابر، دوستی و اتحاد و بخشش می‌دانسته است و نه تنها بعد مادی صرف را کارگشا ندانسته بلکه در اصل وجود آن را بدون اخلاق و آزادی بی ثمر و پوچ می‌دانسته است. مهمترین موارد مورد توجه ایشان محرومیت، عدالت، آزادی، برابری و اخلاقیات است. در این راستا نتایج دیگری که می‌توان گرفت در ادامه می‌آید.

ایشان فرمودند: "جدال، تدبیر را ویران کرده و بزرگترین پشتیبان، مشورت است" (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره‌های ۵۴ و ۱۷۹). این گفتار ما را با اهمیت رایزنی و پرهیز از جدال و اهمیت تدبیر در امور به پشتیبانی شور و مشورت آشنا می‌کند.

اشاره ایشان به فریفته شدن والی در صورتی که او سواره و دیگران پیاده باشند (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۲۲) نشان دهنده اهمیت وافر و دقیق ایشان به مساله رعایت حقوق مردم است که تنها در آن صورت است که حاکم می‌تواند عدالت

را برقرار نموده و از دام‌های پیش رویش حذر کند. همچنین گویای این مطلب است که نایستی فاصله‌ای میان حاکم و توده مردم از نظر برخورداری از امکانات رفاهی باشد. در مورد ایجاد حق بر گردن مانده و در جهت نهادینه کردن اعتماد میان مردم که از آن با عنوان سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود این گفته ایشان که هرکس تا وعده نداده آزاد است (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۳۶) نشان دهنده این است که به منظور انسجام اجتماعی، در صورت وعده دادن، فرد اسیر وعده خویش است و تا زمانی که وعده را محقق نکرده آزاد نمی‌شود، زیرا تنها در این صورت است که اعتماد متقابل افزایش می‌یابد.

در مورد نهادینه شدن اخلاق و چگونگی پدیدار شدن ارزش‌های اخلاقی، ایشان دیدگاه‌ها و رفتارهای عملی متعددی در زندگی و حکومت خود داشته‌اند. نباید فراموش کرد که نهادینه شدن اخلاق یکی از کوتاه‌ترین راه‌ها برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای انسجام، اعتماد، مشارکت، برقراری عدالت و ادا کردن حق مردم است که خود می‌تواند به رفاه منجر شود. علی بن ابی طالب اخلاق را برای زندگی بهتر در هر دو جهان مطرح کرده است. به عنوان مثال ایشان فروتنی توانگران در برابر مستمندان را بسیار نیکو می‌شمارند (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۰۶). موارد متعدد دیگری را در مورد توجه ایشان به مسائل اخلاقی می‌توان مثال زد که در جای جای کتاب نهج‌البلاغه به آن‌ها اشاره شده است که خود گویای این مطلب است که افزایش کیفیت زندگی، خود بستگی به اخلاق دارد.

با استفاده از آنچه گفته شد می‌توان به نقد برخی رفتارها و الگوهای جامعه معاصر پرداخت. می‌توان به وضوح مشاهده کرد که دنیای حاضر شاهد مشکلات بسیار زیاد رفاهی- اجتماعی حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشد. شاید بتوان گفت ریشه مهم‌ترین این مشکلات از منظر علی بن ابی طالب احیا نکردن حقوق و برقرار نکردن عدالت است. ایشان به خوبی و بیش از هر مورد دیگری در سراسر زندگی خویش به این دو مفهوم یعنی حقوق و عدالت پرداخته‌اند.

علاوه بر آن می‌توان گفت اخلاقی که ایشان از آن صحبت می‌کند اخلاقی است که طالب دنیا و دنیا پرستی نیست اما لازمه زندگی بهتر و آرامش است. با سستی و تنبلی منافات دارد و به کار و همت افراد بستگی دارد. اما دنیای کنونی ما تجلی زندگی برای دنیا، کار برای مصرف و مصرف برای کسب حیثیت و جایگاه اجتماعی است که به دلیل فراموش کردن ارزش‌ها اخلاقی و عدم توجه به معنای زندگی است. زیرا معنا در مصرف هر چه بیشتر و بهره‌کشی از تعداد بیشتری از مردم رقم می‌خورد. این دیدگاه‌های معاصر نقطه مخالف آن چیزی است که در کلام و سیره علی ابن ابی طالب مشاهده می‌کنیم. در این مورد نمی‌توان گفت که چون شرایط زندگی آن زمان با این زمان متفاوت بوده است پس امروزه چون مصرف‌گرایی و دنیا‌گرایی و اخلاق‌گریزی مورد پسند است پس خوب است و باید به کار گرفته شود. البته که شرایط زمانه فرق کرده است، اما نمی‌توان از آن به عنوان بهانه و یا توجیهی در جهت نیکو جلوه دادن معضلات جامعه معاصر سخن گفت.

در میان متغیرهای ساختی^۱ که تالکوت پارسونز^۲ برای جامعه مدرن بیان می‌کند یک گروه از آن‌ها ماهیت-دستاورد (یا اکتسابی-انتسابی) می‌باشد (نیک گهر، ۱۳۷۶): (۷۱). این گفته علی بن ابی طالب که "آن که کرده وی، به جایی‌اش نرساند، نسب، او را پیش نراند" و "یا" آن که گوهر خویشش از دست شود، بزرگی تبار، وی را سود ندهد" (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۸۹) اگر چه در زمانی دور و در یک اجتماع پیشا مدرن بیان شده است اما گواه بر اهمیت بیشتر متغیر دستاورد یا اکتساب در جهت تعیین شرایط یک فرد در جامعه از منظر ایشان است. به این معنا که پیشرفت فرد در هر دو حالت بستگی به دستاورد خود او دارد. این مورد، تنها مثالی است از موارد متعددی که به همین طریق می‌توان آن‌ها را با توجه به دیدگاه‌های ایشان مورد بررسی و نقد قرار داد.

همان طور که اشاره شد این گفته ایشان که فقر را از مرگ بزرگتر می‌دانند (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۶۳) نشان دهنده این است که مرگ پیش از مرگ، نداری و تهیدستی است یا مهمترین بلا پس از بیماری دل و جسم، فقر است (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۸۸) که باید با آن مبارزه کرد. از همین گفته این نکته دریافت می‌شود که ایشان بزرگترین بلا را بیماری روح و روان و سپس بیماری جسم و در مرتبه سوم فقر می‌دانند. این مثلث شومی است که آفت زندگی فرد است و نبود آن‌ها سعادت یک فرد در جامعه را به دنبال دارد و معنای رفاه از منظر علی ابن ابی طالب می‌تواند همین باشد. می‌توان این نکته را نیز گفت که آرامش و سلامتی روحی و روانی سنگ بنای زندگی بهتر افراد می‌باشد و در مرتبه بعد، سلامت جسمانی قرار دارد. سرانجام باید به همان شکاف میان حقیقت و واقعیت باز گردیم و بدانیم که با توجه به آن چه در مورد دنیای معاصر گفته شد و نظر به این که جامعه ما نیز با مشکلاتی دست به گریبان است، رفع مشکلات در سایه توجه به پر کردن فاصله میان حقیقت مطلوب و واقعیت نامطلوب است و چون حقیقت مطلوب جامعه ما فرهنگ تشیع است که از دیدگاه‌ها و سیره عملی علی بن ابی طالب الهام می‌گیرد، به نوبه خود بر مبارزه با مثلث شومی که در بالا ذکر شد و برقراری حق و عدالت تمرکز دارد، بنابراین باید واقعیات تلخ جامعه را با توجه به آن و پر کردن شکاف میان حقیقت و واقعیت، برطرف نمود.

تاکید ایشان بر دوستی با دیگران و مشورت و پرهیز از خودرایی و ایجاد، اتحاد نزدیک به همان چیزی است که امروزه از آن با عنوان سرمایه اجتماعی که دارای سه مولفه اعتماد، انسجام و مشارکت می‌باشد، یاد می‌شود. تاکید ایشان بر صدقه دادن و انفاق که هردو بدون اجبار و داوطلبانه صورت می‌گیرد ما را با اهمیت این نوع کمک آشنا کرده و سازمان‌های مردم نهاد و خیریه امروزی را وارد بحث می‌کند که امروزه مطرح هستند. تفکر کردن و تدبیر نمودن در دیدگاه‌های ایشان مفاهیمی هستند که ما را

به استفاده از خرد و خرد جمعی در تصمیم گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها رهنمون می‌کنند (امروزه بحث استفاده از برنامه‌ریزی و استفاده از نظر کارشناسان مطرح می‌باشد).

برای آن که بتوانیم میان نتایج تحلیل محتوا و رفاه، ارتباطی منطقی برقرار کنیم باید کمی بیشتر توضیح دهیم. مواردی که به عنوان مقوله‌های رفاهی در تحلیل محتوا آورده شده‌اند دلالت بر وجود بسترهای مناسب برای رسیدن به سطح مطلوب تری از رفاه در یک جامعه، در صورت برآوردن آن‌ها، می‌کنند. همان طور که می‌دانیم عطش بشر برای داشتن یک زندگی هر چه بهتر سیری ناپذیر است و از همین رو حتی اگر در یک سطح مطلوبی از زندگی قرار داشته باشد باز به دنبال سطحی بهتر می‌گردد و در جستجوی ارتقای استانداردها و کیفیت زندگی خویش است. اما برای آن که حداقل‌های رفاهی یک جامعه که در بقای جامعه و زندگی مسالمت آمیز شهروندان آن نقش دارد برآورده شود باید بسترها و زمینه‌های مناسب برای رشد مولفه‌های لازم در این جهت فراهم گردد. مواردی که بسترهای لازم به این منظور را فراهم می‌کنند می‌توانند به عنوان پیش نیازها و در مواردی پیش فرض‌های رفاه و زندگی مطلوب در یک جامعه مثلاً ارزش‌ها و هنجارهایی که از فرهنگ یک جامعه سرچشمه می‌گیرند به شرط وجود عوامل دیگر می‌توانند رفاهی متناسب با فرهنگ همان جامعه به حساب آیند. را نهادینه کنند. به عبارت دیگر ارزش‌ها و هنجارها پتانسیل لازم رفاهی یک جامعه را در خود پنهان دارند و شرط لازم هستند، اما کافی نمی‌باشند.

توجه علی بی ابی طالب در نهج‌البلاغه به موارد یاد شده و تاکید بسیار بر دوستی و نگاهداشت آن و برقراری عدل و پرهیز از ستم و ادا کردن تمام حقوقی که بر گردن افراد و حکومت‌هاست از همین جهت می‌باشد. می‌توان این گونه گفت که زیربناهای لازم در جهت برقراری سطح قابل قبولی از رفاه، برقراری عدالت، ادای حقوق شهروندان، علم آموزی، تعقل، پرهیز از طمع و بسنده کردن به روزی بدست آمده، پرهیز از خود رایی، رفع محرومیت‌های اقتصادی، بخشش و سخاوت‌مندی و محبت و دوستی با مردم می‌باشد.

باید در این جا خاطر نشان کرد که آن چه از مجموع تحلیل محتوا نیز بر می‌آید این است که برای رسیدن به سطح قابل قبولی از رفاه، همکاری همگان لازم است؛ یعنی فرد به تنهایی نمی‌تواند استانداردهای زندگی خویش در یک جامعه را ارتقا ببخشد. اما از سویی دیگر باید این مساله را در نظر گرفت که برقراری رفاه تنها وظیفه حاکمیت نیست، از آن رو که برخی از مقوله‌های رفاهی بیشتر به شخص بستگی داشته تا به دولت‌ها، مثلا می‌توان از پرهیز از طمع، دوستی با مردم و کار و تلاش خود فرد، سخن گفت. بنابراین در یک رابطه متقابل میان فرد و جامعه، رفاه حاصل می‌شود و سطح آن می‌تواند در صورت حفظ بسترها و پیش نیازها، با اقدامات و سیاست‌های همگام با تغییرات صورت گرفته در جامعه بالا رود.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش. (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران: انتشارات بشری.
- بیکر، ترز ال. (۱۳۸۳)، *روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی*، مترجم: هوشنگ نائی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ ششم.
- جورج، ریتزر. (۱۳۸۷)، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ریشه، گی. (۱۳۷۶)، *جامعه شناسی تالکوت پارسونز*، مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۸)، *مبانی رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- علی بن ابی طالب. (۱۳۸۹)، *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، انتشارات اتقان.

رفاه از دیدگاه علی بن ابی طالب ... ۹۱


- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه*، مترجم: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.

- موسوی، میرطاهر؛ محمدی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، *مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی*، تهران: نشر دانژه.

- هولستی، ا.آر. (۱۳۸۰)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، مترجم: نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم.

- محقق داماد، مصطفی؛ وصالی، سعید. (۱۳۸۹)، *نهج البلاغه و حقوق عمومی، فصلنامه النهج*، شماره ۲۹.

- وصالی، سعید. (۱۳۸۵)، *تحلیل محتوای دیدگاه اجتماعی حکمت‌های نهج البلاغه، فصلنامه النهج*، شماره ۱۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی